

ابوالعلاء معری

در بیست و هفتم ربیع الاول سال ۳۶۳ هجری قمری، در شهر حلب از شهرهای سوریه چشم به جهان گشور. در طی سنین چهار تا شش سالگی، بیماری آبله منجر به نابینایی وی گردید. از همان اوان کودکی به تحصیل علم و دانش اندوزی علاقه‌ای وافر داشت، مقدمات ادبیات و صرف و نحو را نزد پدرش فراگرفت و سپس در محضر ادبا و فقهای شهر حلب شرکت کرد از خرمن دانش آنان بهره گرفت و سپس جهت تکمیل معلومات به انطاکیه رفت و اندکی بعد نویسنده و شاعری چیره دست شد.

نابینایی از هر دو چشم، نور بصیرت و روشن بینی و دیده باطن او را در احاطه به علوم متجلی ساخت چکامه‌گرایی، تبدیل به درس فلسفه، شعر و سرودن شعر به زبان فلسفه از خصوصیات این نابغه نابینای عرب بود که انجمن دانشمندان و سخنوران را موجب شگفتی می ساخت.

مدت یک سال در بغداد به مکاتب دانشمندان آن دیار رفت و سپس به زادگاهش بازگشت و به تدریس و تحقیق پرداخت.

معری از لحاظ قدرت اندیشه و هوش و حافظه، در تاریخ عرب مانند نداشت.

در اظهار عقیده خود به حدی جسور بود که در مقابل صاحبان قدرت ایستادگی می کرد و از در هم کوبیدن بعضی از معتقدات نادرست مردم باکی نداشت. مردی بلند نظر، مشکل پسند و با اراده بود، به کمک کسی دل نبست و از ثروتمندان هدیه ای نپذیرفت. او به راستی مردی معتقد، با ایمان و خداشناس بود. کتاب لزومیات او به راستی دایرةالمعارف کوچکی است از علوم، ادبیات، تاریخ جنگهای قدیم عرب.

اخبار پشتیبان، قرآن، حدیث، فقه و سایر علوم تجربی مقدار زیادی از علوم طبیعی و فلسفی. این سخنور فیلسوف با قدرت انتقادی خویش، بسیاری از اشتباهات اهل کلام را مطرح کرد و آنها را با محک عقل بررسی یا با حقیقت قیاس کرد و یا با ذکر مثالی آنرا رد نمود و یا به آنچه به تجربه ثابت شده و ضرور است اعتراف داشت.

دکتر طه حسین نویسنده نابینای مصری در سال ۱۳۲۳ شمسی کتابی دربارهٔ ابوالعلائی معری منتشر کرد بنام کتاب بهشت و دوزخ او و دیگر خاورشناسان، معتقدند که دانته سخنور و نویسنده بزرگ ایتالیایی کتاب جاویدان خود را به نام «کمدی الهی» از اندیشه معری گرفته، چون این کتاب از نمونه های ادب تازی است و اروپا نیز در قرون وسطی تحت تأثیر علم و ادب خاور بوده، بنا براین نمی توان گفت ادیبی مانند دانته ایتالیایی با تمام شهرتش او را نمی شناخته و از رساله الغفران ابوالعلاکه برترین اثر اوست آگاهی نداشته است. معری را می توان تقریباً با خیام سنجید، زیرا از لحاظ آزادی فکر و برخی مسائل دیگر به هم نزدیکند. چنانکه هر دو به ناتوانایی عقل از در یافت علت آفرینش و حل معمای عالم وجود گواهی دارند.

ولی خیام مانند معری بد بین نبود و معتقد بود که نباید زندگی کوتاه را بر خود تلخ سازیم ناصر خسرو قبادی در سفر نامه می گوید. او را در معرفة النعمان دیدم، او دائماً روزه دار و قائم اللیل بود. تا آخر عمر زن نگرفت. معری در میان تازیان و سعدی از بین فارسی زبانان از جمله کسانی هستند که در نثر و نظم استادند و می توان هر یک را هم نویسنده چیره دست و هم سخنوری توانا دانست.

ابوالعلاء سرانجام در سن هشتاد و شش سالگی در روز جمعه سال ۴۴۹ هجری قمری در معره زندگی را بدرود گفت، بزرگترین تشیع از جنازه ابوالعلاء به عمل آمد. چنانکه دو بیست تن قاری قرآن بر مزار او گرد آمدند و چهار صد و هشتاد و یک شاعر در مرگ او مرثیه سرودند.^(۱)

۱- عمر فروغ، ابوالعلاء، فیلسوف معره، عقاید فلسفی، ترجمه حسین خدیو جم، ۱۳۴۲، ص ۳۶.

- ابن الندیم جلد (۴) صفحات ۱۰۴ - ۱۵۰. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی.